

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

قسمتی از فرمایش مرحوم نائینی در محذور ملاکی را بیان کردیم؛ فرمودند نزاع و محذور ملاکی مختص به باب انفتاح علم است و مقصود از انفتاح، عدم وقوع در مخالفت با واقع نیست و بلکه در باب انفتاح، اسباب مفیده برای علم کافی است؛ و بعد فرمودند بین طرق ظنیه، امارات مفید ظن و اسباب مفید علم، از نظر احتمال اصابه و خطا فرقی نیست.

در زمان حضور معصوم (ع) - که باب انفتاح است - اگر کسی در بلدش به سببی علم به حکم شرعی پیدا کرد، اینطور نیست که حتماً مطابق با واقع باشد و بلکه ممکن است مخالف با واقع در آید؛ حال، در اماره ظنیه نیز همینطور است؛ ممکن است مطابق با واقع در آید و ممکن است مطابق نباشد.

اشکال و جواب

در ادامه چند اشکال و جواب مطرح می‌کنند؛

اشکال اول: این است که در باب امارات ممکن است بگوییم اماره غیر علمی، نسبت به اسباب مفید علم دارای خطای بیشتری است؛ جایی که انسان علم پیدا می‌کند، ممکن است از ده مورد، يك، دو و یا سه موردش خطا باشد، اما اماره غیر علمی بیش از این خطا دارد.

جواب: مرحوم نائینی در جواب می‌فرماید: راهی برای اثبات این مطلب نداریم؛ در زمان معصوم وقتی می‌گوییم معصوم (ع) یا شارع اشخاص آن زمان را به اماره غیر علمی متعبد می‌کند، چه راهی داریم که اثبات کنیم این اماره اکثر خطائاً است؛ و اساساً می‌فرمایند: اینکه در برخی از کلمات گفتند باید ببینیم آیا امارات از حیث مطابقت و عدم مطابقت با واقع دائم المطابقه، یا غالب المطابقه و یا قليل المطابقه است، اینها چیزهایی است که اصلاً نباید به آن توجه کرد؛ اثری در مانحن فیه ندارد و قابل اثبات نیست.

پس، مرحوم نائینی می‌فرماید: اگر کسی بگوید اماره غیر علمی نسبت به اسباب مفید علم اکثر خطائاً هست، می‌گوییم راهی برای اثبات این ادعا نیست.

اشکال دوم: ممکن است کسی بگوید بالاخره در اماره‌ی غیر علمی چون عنوان ظنی دارد، احتمال وقوع در خطا خیلی بیشتر از جایی است که انسان علم دارد.

پاسخ: مرحوم نائینی می‌فرمایند: اولاً ما این اقربیت را قبول نداریم؛ چه کسی گفته اماره به خطا اقرب است تا سبب مفید علم؛ ثانیاً اگر هم اقربیت باشد، مجرد اقربیت اقتضای این را ندارد که شارع بیاورد جلوی عمل به اماره را بگیرد؛ و ثالثاً بر فرض این که بگوئیم اقربیت، اقتضای این را دارد، شارع وقتی می‌بیند اماره اقرب به خطاست، باید جلوی مردم و مؤمنین را بگیرد که به این اماره غیر علمی عمل نکنند؛ می‌فرمایند اگر چنین اقتضایی در کار باشد، در صورتی مفید است که يك مصلحت اهمی وجود نداشته نباشد؛ و اینجا برای اینکه مصلحت اهمی در کار است و آن تسهیل و توسعه بر مردم است - اگر در همان زمان افتتاح شارع بگوید الا و لابد باید علم پیدا کنید، برای مردم مشکل بوده و این اصلاً عملی نیست - اماره غیر علمی را معتبر کرده است.

اشکال سوم: تا اینجا اگر کسی از مرحوم نائینی سؤال کند که چرا شارع امارات غیر علمی را معتبر کرده، با اینکه فرض را فرض افتتاح باب علم قرار داده است؟ می‌فرماید: بر اساس مصلحت تسهیل است. مستشکل اشکال می‌کند که جناب نائینی، اگر مصلحت تسهیل طوری است که اگر شارع این کار را نکند، موجب عسر و حرج می‌شود؛ و نتیجه‌اش انسداد باب علم می‌شود؛ برای اینکه مقصود ما از باب افتتاح، افتتاح بدون عسر و حرج است.

در اینجا می‌گوئید اگر شارع اماره غیر علمی را برای مردم معتبر نکند، عسر و حرج لازم می‌آید، یعنی باب انسداد می‌شود؛ شما هم که می‌گویید نزاع و محذور ملاکی مربوط به باب افتتاح است؛ این چطور می‌شود؟ اگر مصلحت تسهیل به اندازه‌ای نیست که مسئله عسر و حرج در اینجا مطرح باشد، این چه ملاکی است که شارع می‌خواهد آن را رعایت کند؟

جواب: مرحوم نائینی می‌فرمایند: چه مانعی در اینجا هست؟ ما کاری به عسر و حرج نداریم؛ ما می‌گوییم شارع تسهیلاً علی الناس و توسعه علیهم، این را فرموده است؛ لازم نیست همیشه سراغ علم بروید؛ تحصیل علم لازم نیست؛ لازم نیست که شخص به مدینه بیاید و از خود امام (ع) سؤال کند. اگر عادل و فقه‌ای هم مطلبی را خبر داد، هرچند که علم هم پیدا نکند، می‌تواند به آن عمل کند. مرحوم نائینی می‌خواهند بفرمایند مصلحت و ملاک تسهیل، غیر از مسئله عسر و حرج است؛ ایشان بالاتر از این را می‌خواهد بگوید؛ می‌خواهد بفرماید چه عسر و حرج لازم بیاید و چه لازم نیاید، خود مصلحت تسهیل، مصلحت مهمی است.

چون دین شارع يك دین سمحه و سهله است، شریعت سهله اقتضا می‌کند که اماره غیر علمی معتبر باشد. بنابراین، می‌فرماید: ما کاری به عسر و حرج نداریم؛ خود مصلحت تسهیل لازم الرعایه است؛ از باب اینکه این شریعت، سمحه و سهله است.

کلام مرحوم نائینی دارای دو قسمت است که يك قسمت همین بود که بیان کردیم؛ و قسمت دوم، ایشان قول سببیت را مطرح می‌کنند و همان مصلحت سلوکیه شخص انصاری را می‌پذیرند که فعلاً ما این قسمت را بیان نمی‌کنیم تا بررسی و جمع‌بندی قسمت اول تمام شود.

بیان مرحوم امام خمینی

وقتی به کلمات امام رضوان الله علیه مراجعه می‌کنیم، چند مطلب می‌بینیم؛ اولین مطلب، می‌فرمایند: این که مرحوم نائینی محذور ملاکی را منحصر به باب افتتاح علم قرار داده است، حرف درستی نیست؛ در این محذور، فرقی بین باب افتتاح و انسداد نیست؛ همان جوابی که در باب افتتاح می‌دهید، همان جواب را هم در باب انسداد مطرح می‌کنیم.

در کتاب **معتمد الاصول** که تقریرات اصول امام(ره) به قلم والد راحل ما هست، در صفحه 417 از جلد اول، فرموده‌اند: شما که محذور را مربوط به باب افتتاح می‌کنید، مقصودتان از باب افتتاح چیست؟ آیا مقصودتان این است که زمان حضور معصوم است و هر کسی خودش می‌تواند برود از امام(ع) سؤال کند و جواب بگیرد؟

اینجا اگر کسی خدمت امام(ع) رفت و سؤال کرد، احتمال خطایش از جایی که زرارہ برای او خبر بیاورد، خیلی کمتر است و ما هم قبول داریم؛ اما تنها چیزی که اینجا احتمال داده می‌شود، احتمال تقیه است؛ یعنی ممکن است کسی برود خدمت معصوم(ع) و از ایشان سؤال کند و حضرت نیز تقیه کنند و به او جواب داده باشند.

اما بحث در این است که آیا شارع اصلاً چنین چیزی را در زمان افتتاح از مردم می‌خواهد یا نه؟ که هر کسی دارای قدرت است و می‌تواند نزد امام(ع) برود، باید از امام سؤال کند؟ فرض این است که ائمه معصومین(ع) یا تحت حکومت امویین بودند و یا تحت حکومت عباسی‌ها بودند؛ یعنی در بالاترین درجه محدودیت بودند و همین مقدار سؤال و جواب‌هایی هم که مطرح شده است، به زحمت بوده است. اگر چنین چیزی را از مردم می‌خواستند، منجر به نتایج ناگواری می‌شد.

دیگر برای ائمه(ع) بیان احکام امکان نداشت، مگر برای اشخاص معدود و محدودی. بنابراین، می‌فرمایند: در زمان افتتاح که مراد زمان حضور معصوم(ع) است، اگر مکلف بخواهد از شهر دیگری نزد امام(ع) بیاید و سؤال بپرسد، عادتاً مشکل است و مشقت دارد؛ سرّ این که شارع در این فرض اماره غیر علمی را حجت قرار داده، مصلحتی به نام بقای شریعت است.

امام **رضوان الله علیه** می‌فرمایند: در زمان افتتاح باب علم، اگر شارع به مردم می‌گفت باید تک تک بلند شوید و سراغ امام(ع) بروید، یا برای امام(ع) خطر داشت، یا ممکن نبود و یا مشکلات به وجود می‌آمد. بنابراین، شارع می‌آید يك سری مصلحت‌های موجود در بعضی از افعال را فدای يك مصلحت مهمی به نام مصلحت بقاء شریعت می‌کند؛ می‌فرمایند اصلاً بقای شریعت در گرو همین معناست که شارع بگوید مکلف به امارات غیر علمیه هم عمل کند.

در زمان انسداد هم اگر شارع بخواهد به مردم بگوید باید تحصیل علم کنید، تحصیل علم فقط يك راه دارد و آن احتیاط تام است؛ اگر شارع مردم را به احتیاط تام مکلف کند، مردم از دین زده شده و انزجار از دین پیدا می‌کنند.

پس، ملاک حجیت امارات غیر علمی مصلحتی بنام مصلحت بقاء شریعت است؛ به عبارت خیلی ساده‌تر، می‌فرمایند: باید بگوییم در تعبد به امارات غیرعلمیه ملاک اقوایی - اقوای از ملاکی که اماره وقتی مخالف با واقع در می‌آید، از دست انسان فوت می‌شود - وجود دارد، که «بقاء شریعت» نام دارد.

بیان مرحوم آقای خوئی

نکته‌ای در کلمات مرحوم آقای خوئی **قدس سره** آمده که مطلب بسیار خوبی است و با آن، این مطلب مرحوم نائینی - بین باب افتتاح و انسداد فرق است - کلاً کنار می‌رود. البته با بیان امام(ره) روشن شد که بین باب افتتاح و انسداد فرقی وجود ندارد؛ چون اگر مقصود از افتتاح این است که هر نفر بپاید خدمت امام(ع)، این هم برای امام(ع) مشکل ایجاد می‌کند و هم امکان عادی‌اش نیست.

مرحوم آقای خوئی نیز می‌فرمایند: «**اذ الانفتاح مجرد فرض لا واقع له**» افتتاح فرضی است که واقعیتی ندارد؛ برای اینکه احکام را بروند از امام(ع) سؤال کنند، امارات که منحصر به احکام نیست و در موضوعات نیز وجود دارد؛ در موضوعات

چکار می‌کنید؟ در موضوعات انسان شك می‌کند فلان چیز نجس است یا نه؟ آیا می‌رود خدمت امام معصوم(ع) که ببیند نجس است؟! این که نمی‌شود.

حتی می‌فرمایند: علم به واقع در شبهات موضوعیه حتی برای اصحاب امام(ع) ممتنع است؛ **ان لا يمكن الرجوع الى المعصوم في كل مسئلة و كل شبهة حكمية و موضوعية في وقت و ساعة** پس اساساً انفتاح مجرد فرض است؛ وقتی مجرد فرض شد، دیگر معنا ندارد که بگوئیم محذور ملاکی فقط منحصر به باب انفتاح است. پس، جمع بندی ما این شد که اولاً محذور ملاکی اختصاص به باب انفتاح ندارد؛ بین باب انفتاح و انسداد در مانحن فیه فرقی نیست؛ و ثانیاً اساساً فرض انفتاح مجرد فرض است. و السلام.